irannewspaper.ir

شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۴ • سال سی‌و دوم • شماره ۸۹۸۱
• اذان ظهر ۱۲/۱۴ • اذان مغرب ۱۸/۲۹ • نیمه شب شرعی ۲۳/۳۱ • اذان صبح فردا ۰۴/۵۲ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۱۵

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری
• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

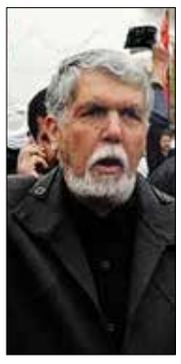

حضور با اقتدار مردم، طمع دشمنان را ناکام گذاشت

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه یکی از نمادهای ناکامی دشمن حضور مردم در راهپیمایی روز قدس است، گفت: «حضور با اقتدار و همبستگی و همدلی مردم، طمع دشمنان را ناکام گذاشت.» سیدعباس صالحی جمعه ۲۲ اسفند ۱۴۰۴ با حضور در جمع راهپیمایان روز جهانی قدس، اظهار داشت: همانگونه که روز گذشته در پیام رهبر سوم انقلاب اسلامی مشاهده کردیم، تکیه بر مردم در پیام ایشان قابل توجه بود؛ ایشان تفسیر لطیف و ظریفی از آیه «مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» قرآن کریم داشتند که به مانند زمانی که رهبر انقلاب به شهادت رسیدند، حدود یک هفته کشور رهبر نداشت اما جایگزین این رهبر چه بود؟

حمید هیراد درگذشت

حمید هیراد، خواننده موسیقی پاپ در اولین ساعات پنجشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۴۰۴ بعد از تحمل چند سال بیماری در تهران درگذشت. موزیک کمپانی «آوازی نو» و خانواده حمید هیراد در اطلاعیه‌ای ضمن اعلام خبر درگذشت این خواننده، از برگزاری مراسم یادبود او در زمان مناسب خبر داده‌اند. در متن این اطلاعیه آمده است: «در نهایت تأثر به اطلاع عموم هنردوستان و هنرمندان عرصه موسیقی می رساند، هنرمند ارجمند حمید هیراد عزیزمان پس از سال‌ها مبارزه با بیماری، صبح روز پنجشنبه ۲۱ اسفند ماه سفر ابدی خود را آغاز کرده و آرام گرفت.»

علیرضا قربانی برای کودکان میناب نوشت

علیرضا قربانی، خواننده موسیقی کشورمان در یادداشتی کوتاه نسبت به شهادت مظلومانه کودکان ایران به‌ویژه دانش‌آموزان میناب در جنگ اخیر واکنش نشان داد. متن این یادداشت به این شرح است: «پدر باشی و هرنَفَس نگران فرزندانت نباشی؟ حاشا! و حالا که جنگ آمده و درِ خانه‌مان رازده است، هربار که نگاهم به دو کودکم می افتد که نه کاملاً از ماهیت جنگ آگاهند و نه آنقدر دور از سیاهی آن که بتوانند به دنیای کودکانه‌شان بازگردند، قلبم مچاله می شود از فقدان آن کودکان پرپر شده میناب و همه کودکان این خاک که چه زود و نابهنگام ما را تنها گذاشتند.»

مناجات روز بیست‌وسوم

ای رازدار دل‌های شکسته!

من با دلی پر از آرزو و چشمانی پر از امید، به آستان تو آمده‌ام. می‌دانم هیچ دری به وسعت درگاه تو گشوده نیست و هیچ پناهی امن‌تر از آغوش مهربانی‌ات وجود ندارد.
ای خدای صبور! مرا از عجله و بی‌قراری برهان و به من بیاموز چگونه به زمان بندی حکیمانه‌ات اعتماد کنم. دلم را لبریز از صبر، یقین و توکل ساز و کمکم کن در مسیر بندگی، استوار باقی بمانم.
در این شب نورانی، برایم فردایی روشن‌تر از امروز مقدر کن و امید را در رگ‌های وجودم جاری ساز. همین!

عبدالرحیم سعیدی‌راد

نگاهی به قطعه «حسبی‌الله» اثر تازه محسن چاووشی و واکنش‌ها به آن

نوای دلنشین شرافت

گزارش

نداسیجانی
گروه فرهنگی

حضور و همدلی و همراهی هنرمندان در کنار مردم در بزنگاه‌های اجتماعی و سیاسی، اتفاق امروز و دیروز نیست و این همبستگی از همان روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی به‌صورت منسجم و متحدانه در بطن مردم شکل گرفته بود و تداوم آن تا به امروز هم تماشایی است؛ موضوعی که رهبر شهید انقلاب به آن تأکید بسیار داشتند و در دیدارشان با اهالی فرهنگ و هنر از «هنر انقلابی» و وظیفه هنرمندان و نویسندگان در روایت این روزها سخن گفتند. مانند حماسه‌های موسیقایی ارزشمندی که در دهه شصت با «گروه موسیقی چاووش» تولید شد. آثاری همچون «کاروان شهید» با صدای شهرام ناظری و آهنگسازی زنده‌یاد محمدرضا لطفی یا «کجایید ای شهیدان خدایی» اثر زیبای هوشنگ کامکار و آثاری از این دست که شنیدنش امروز هم تازگی دارد. اما این حلقه «چاووش» و «چاووش»خوانان همچنان متصل است و امروز هنرمندانی از نسلی جوان‌تر و با سبکی متفاوت‌تر، چون محسن چاووشی ادامه‌دهنده این مسیر هستند و در روزهای سخت و تلخ جنگ و تهاجم جنایتکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران، از مام وطن و ارزش‌ها و اعتقادات می گویند و می خوانند و بیعت خود را با سرزمینمان، ایران، حفظ کرده‌اند. آنچنان که در جنگ دوازده روز رژیم صهیونیستی علیه ایران هم خواند و «علاج» را منتشر کرد و گفت: «مردم علاج در وطن است، دنیا فقط لب و دهن است...»

هنرمندی که طی سال‌ها فعالیت هنری‌اش نشان داد در هر برهه‌ای از تاریخ در کنار مردم سرزمینش است، از آزادی زندانیان در بند تا آزادی وطن. محسن چاووشی در چند روز گذشته و همزمان با سالروز شهادت امیرمؤمنان(ع) تک‌آهنگ زیبایی با عنوان «حسبی‌الله» با شعری از مهدی عباسی با آهنگسازی و خوانندگی خودش منتشر کرد که بسیار در کانون تحسین و توجه فعالان رسانه و هنرمندان قرار گرفت. او می گوید: «"حسبی‌الله" گفت‌وگوی من با مولایم علی (ع) است و به‌راستی خدا برای ما بس است...»

چاووشی در ادامه انتشار این قطعه دلنوشته‌ای را به اشتراک گذاشت که بسیار تحسین برانگیز بود و نوشت: «از اول اعتراضات و نزدیک به دو ماه است فکر می کنم و رصد می کنم تا نکته‌ای را در آن سوی مرزها بیابم که جذبم کند و حرف حق باشد اما به وجدانم قسم که هرچه گشتم ناامیدتر شدم، پس سکوت کردم!»

و در این سکوت دیدم حق با بعضی از شماست: من «وسطم»

«وسط» مثل عابری که دی ماه در خیابان به گران‌شدن گوشت فکر می‌کرد و از پشت تیر به سرش خورده بود.

وسط مثل پیرزنی روستایی که نه تلویزیون دارد و نه گوشی موبایل؛ فقط آلزایمر دارد و پسری که بیکار شده و چند ماه است قرص‌هایش را به موقع نمی‌رساند...

و این «وسط» خیلی جای بزرگی است و خیلی‌ها در آن جا می‌شوند.

اصلاً جریانی که این «وسط» را ندارد نمی‌تواند انقلابی را رقم بزند یا حکومتش را حفظ کند!

در این دو ماه قلبم سوخت برای کشته‌شدگان...

اما دست خودم نبود! من به عنوان کسی در وسط، قلبم برای پلیس و معترض و عابر با هم می‌سوخت و برای هر هموطنی که ناچار به خیابان آمده بود و دیگر به خانه برنگشت...

به هر حال هر چه فکر کردم دیدم نمی‌توانم از بیگانه بخواهم به کشورم حمله کند!

دیدم نمی‌توانم کنار سلبریتی‌هایی باشم که به اعتقادات لااقل نیمی از مردم کشورم ناسزا می‌گویند و تهدید به قرآن‌سوزی می‌کنند و بدون اینکه خنده‌شان بگیرد، بشارت آزادی می‌دهند!

دیدم حتی نمی‌توانم از اهالی جزیره اپستین بخواهم به جان کودکان و دختران بی‌گناه وطنم کاری نداشته باشند!

تا اینکه جنگ شروع شد و کمک‌ها رسیدند، همچنان که قبل از ما کمک‌ها به ویتنام و افغانستان و عراق و لیبی و... رسیده بودند.

دیدم جنگ است و فقط می‌توانم بخوانم!

که اگر در زمان پهلوی و قاجار هم بودم و بیگانه‌ای به کشورم یورش می‌برد همین کار را می‌کردم...

برای دلگرمی مردم و کسانی که از مردمم دفاع می‌کنند خواندم...

«حسبی‌الله» گفت‌وگوی من با مولایم علی (ع) است و به‌راستی خدا برای ما بس است...

اکنون به عنوان کسی در وسط، حاضرم ۴۷ سال دیگر به جمهوری اسلامی فرصت بدهم نقایص خود را برطرف کند تا اینکه با عده‌ای همصدا شوم و پوریم دیگری را در تقویم اسرائیل رقم بزنم که در فردای به اصطلاح آزادی با چکمه روی سنگ قبر هموطنانم سرود شادی بخوانند! و آن عده! آن عده خیلی دیر می فهمند که در جهان هیچ کشوری جز به منافع خودش فکر نمی‌کند و علاج واقعی در وطن‌هاست!

محسن چاووشی: طی سال‌ها فعالیت هنری‌اش نشان داد در هر برهه‌ای از تاریخ در کنار مردم سرزمینش است، از آزادی زندانیان در بند تا آزادی وطن

واکنش اهالی هنر و سیاست به اثر تازه محسن چاووشی

علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی: «موشک «حسبی الله» چاووشی چه‌ها می‌کند؛ زنده باد محسن چاووشی عزیز.» سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران: «میان دشمن و وطن ننگ برآن که شک کند؛ ننگ برآن که خواسته شمر به ما کمک کند. در این زمانهٔ تیره که شعله‌های ظلم بر شانه‌های جهان سنگینی می‌کند و صدای حق در هیاهوی قدرت‌ها گم می‌شود، ما استوار به نام خدا و به خاطر ایران ایستاده‌ایم. طوفان تهدید و هیاهوی تجهیزات نتوانسته‌اند اراده ما برای دفاع از این سرزمین را متزلزل کنند. جهان باید بداند؛ فرزندان این خاک کهن، هنگامی که نام خدا را در میان آتش و خون زمزمه می‌کنند، از هیچ قدرتی هراس ندارند و شکست‌ناپذیرند. خدا برای ایران ما کافی است؛ این راز حفظ سرزمین و عزت ماست. تاریخ به یاد خواهد سپرد ملتی را که به خدا تکیه کرده و هرگز در برابر ظلم سر خم نکرده است. از محسن چاووشی که صدای این روزهای وطن سرافراز ماست، سپاسگزاریم.» محمد علیزاده‌فرد، کارگردان سینما: «بعضی‌ها مثل محسن چاووشی چقدر باعث غبطه خوردن ما میشن، دم شما گرم، مرد بزنگاه‌ها.» محمدجواد موحد، تهیه‌کننده سینما: «شرف خریدنی نیست، باید توی خونت باشه، مثل محسن چاووشی.» مژده لواسانی، مجری تلویزیون: «هنرمندان سکوت کرده‌اند؟ باکی نیست، همین یک حنجره برای فریاد نام «ایران» کافیست.»

من جای چاووشی بودم چند مصرع را ادبی‌تر می‌کردم

پرواز همای، خواننده موسیقی ایران:

آقای چاووشی یک مرد به معنی واقعی در موسیقی ایران است و از نگاه من همیشه بهترین‌ها را آگاهانه و در بهترین زمان ساخته و منتشر کرده است. اثر «علاج» او در دوره جنگ دوازده روزه بهترین اثر موسیقی پاپ در تاریخ موسیقی ایران بود چه ازنظر شعر و چه موسیقی و اجرا با اثرگذاری بسیار بالا فرا گیر شد و حالا اثر تازه دیگری منتشر شد که مانند آثار دیگرش زیباست. اما اگر من به‌جای آقای چاووشی بودم چند مصراع را اصلاح می‌کردم، مثلاً دهن نجسان یا واجب المطب و اینگونه ادبیات اگر اصلاح می‌شد اثر فاخرتر بود و اصولاً دهن کجی به آن قشری که شاعر در شعر مخاطب قرار داده درک پذیرش محتوا را ندارند و بهتراست که توجهی به آن قشر نشود چون وطن فروشان نماد آخرین درجه خیانت و جهل هستند و بهتراست فراموش شوند تا مخاطب شعر هنرمندان قرار بگیرند. تولید اثر در این روزها برای همدردی با مردم و روحیه بخشیدن به سربازان وطن مهمترین وظیفه ماست و شک ندارم هنرمندان در حال تولید هستند و به زودی شاهد آثار زیادی خواهیم بود.

بیعت رضوان انقلاب و بشارت فتح قریب

یادداشت

محسن اسماعیلی
معاون راهبردی و امور مجلس رئیس جمهور

راهپیمایی حماسی مردم قهرمان ایران در روز قدس امسال از هر جهت شبیه بیعت رضوان با پیامبر خدا(ص) است و تا ابد همچون نگینی در تاریخ این مرز و بوم ماندگار و درخشان خواهد ماند و برهمین اساس باید منتظر بود تا به زودی شاهد تحقق پیروزی نهایی بود؛ همان گونه که در سال ششم هجری اتفاق افتاد. در سال ششم هجری، کوشش‌های صلح آمیز رسول خدا(ص) و موافقت با اعزام نمایندگانی برای مذاکره با مشرکان، موجب اشتباه محاسباتی دشمن و تحرکات جنگ طلبانه آنان شد و در نهایت ایشان را مجبور به اعلام جهاد ساخت. پیامبر(ص) به زیر درختی آمد، با مردم تجدید بیعت کرد و از آنان خواست که در پیکار با مشرکان کوتاهی نکنند و فرمود: «از شما بر مرگ بیعت می‌گیرم. نباید فرار کنید. باید آن‌قدر بجنگید تا پیروز یا کشته شوید!» همان طور که رهبر شهیدمان سی سال پیش در خطبه‌های نماز جمعه گفته بود: «نبیّ اکرم(ص) چندین بار به مناسبت‌هایی از مردم بیعت گرفته بود، اما این بیعت شاید از همه سخت‌تر بود و آن حضرت جز همین یک بار در هیچ جای دیگر چنین بیعتی از مسلمانان نگرفته است.»

از سوی دیگر در میان آن جمعیت همه رقم آدمی حضور داشت. در تاریخ و تفاسیر قرآن (از جمله تفسیر نمونه، ج ۲۲) نوشته‌اند: «هدف از این بیعت، انسجام هر چه بیشتر نیروها، تقویت روحیه، تجدید آمادگی رزمی، سنجش افکار و آزمودن میزان فداکاری مدعیان ایمان بود.» آنان نیز از این آزمون دشوار در آن لحظات ترسناک و پرخطر سربلند بیرون آمدند و از صمیم قلب پای آرمان‌های خویش ایستادند و لذا این بیعت که به عنوان «بیعت رضوان»؛ یعنی «بیعت خشنودی خداوند» معروف شد، لرزه بر اندام مشرکان انداخت و نقطه عطفی در تاریخ اسلام شد.

خدای متعال در آیات هجدهم و نوزدهم سوره فتح در این باره فرموده است: «خداوند از مؤمنانی که در زیر درخت با تو بیعت کردند راضی و خشنود شد.» سپس خداوند به این مؤمنان فداکار و ایثارگر که در این لحظه حساس با پیامبر(ص) بیعت کردند، چهار پاداش و نعمت بزرگ داد که از همه مهم‌تر، همین رضایت و خشنودی او بود. دیگر آنکه فرمود: «خداوند می‌دانست آنچه را در درون قلب آنان از صداقت، ایمان، آمادگی و وفاداری نسبت به این پیمان نهفته است و لذا سکینه و آرامش را بر آنان نازل کرد.»؛ آنچنان آرامشی که در میان انبوه دشمنان و سلاح‌های آماده آنان هیچ ترس و وحشتی به دل راه نمی‌دادند و همچون کوه استوار و پا بر جا ایستاده بودند. در ادامه این آیه به سومین نعمت اشاره کرده و می‌فرماید: «و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود» و این پیروزی بزرگ و نزدیک چیزی جز «فتح خیبر» نبود! چهارمین نعمتی که به دنبال بیعت رضوان نصیب مسلمانان شد، غنیمت‌های فراوان مادی بود چنان‌که در آیه بعد می‌فرماید: «پاداش دیگر، غنیمت‌های کثیری است که به دست می‌آورند» و از آنجا که باید مسلمانان به این وعده الهی کاملاً اطمینان کنند در آخر آیه می‌افزاید: «خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.» پیشتاز بیعت رضوان و فاتح خیبر، علی(ع) فرمود: «هنگامی که خداوند صداقت و اخلاص ما را دید، خواری و ذلت را بر دشمن و پیروزی و نصر را بر ما نازل کرد تا آنجا که اسلام بر صفحه زمین گسترده شد و مناطق پهناوری را برای خویش برگزید.» (خطبه ۵۶ نهج البلاغه).

مردم ایران نیز روز جمعه ۲۲ اسفند ۱۴۰۴ صداقت و اخلاص خود را به زیباترین شکل نمایان ساختند. پس از دو هفته تجاوز ددمنشانه آمریکا و رژیم صهیونیستی و مشاهده بی‌باکی آنان از هر جنایت وحشیانه‌ای باز هم به خیابان‌ها آمدند و زیر بمب‌ها و موشک‌ها با امام رحیل و رهبر شهید پیمان خون بستند و به سومین مقتدای خویش نشان دادند بر آن عهد که بسته بودند هستند. زنان و مردان قدخمیده‌ای را دیدیم که عصازنان همپای جوانان می خروشیدند. کودکان بسیاری را مشاهده کردیم که در گهواره به میدان آمده بودند. پدران و مادران داغدیده‌ای را زیارت کردیم که چون کوهی استوار ایستاده بودند و چشم‌مان به میلیون‌ها ایرانی روشن گشت که با گرایش‌ها و خاستگاه متفاوت فریادی واحد سر داده بودند. به راستی که روز قدس امسال بیعت رضوان انقلاب بود و ما با اطمینان کامل در انتظار مشاهده وعده خدا هستیم؛ صدق الله العلی العظیم.

شکست دشمن از مردم

روزنوشت جنگ (۵)

مرتضی گل‌پور
معاون سردبیر

صبح دیروز دو نفر از دوستانم با فاصله بسیار کم با من تماس گرفتند: «مرتضی می‌خواد محله شما رو بزنه؟ + کی می‌خواد بزنه؟ - اسرائیل، نقشه داده و گفته این محدوده رو می‌زنم.» دوباره با دوستم تماس گرفتم و گفتم نقشه‌ای را که ادعا کردند هدف قرار می‌دهند برایم بفرست. به نقشه نگاه کردم، نقشه‌ای که دشمن اسرائیلی از محدوده مورد حمله در دقایق آینده خبر می‌داد، کاملاً در مجاورت مسیرهای راهپیمایی تهرانی‌ها در مراسم روز قدس قرار داشت. این، نهایت ناجوانمردی و نهایت قساوت بود؛ هدف قراردادن عامدانه مکان‌هایی که دشمن دقیقاً می‌داند در آن ساعت و در آن روز، با ازدحام راهپیمایان روز قدس مواجه است. هدف اصلی دشمن از این نقشه و از این حمله مشخص شد؛ ترساندن مردم و تلاش برای جلوگیری از برگزاری راهپیمایی روز قدس.

یکی از نقشه‌های دشمن اسرائیلی برای هدف قرار دادن، محدوده میدان فردوسی تا خیابان سمیه بود و نقشه دیگر محدوده تئاترشهر تا دانشگاه انقلاب. این دو نقطه، دقیقاً در وسط مسیر راهپیمایی روز قدس هر ساله در شهر تهران است. چه کار کثیفی! حمله نظامی به مکان هایی که همه دنیا می داند در این روز و در این ساعت پر از جمعیت است! و دشمن متجاوز حمله کرد. ساعتی پس از آن «مثلاً هشدار تخلیه» دشمن متجاوز چند نقطه در محدوده تعیین شده را با موشک مورد اصابت قرار داد. اما چیزی که دشمن فکرش را نمی کرد، اتفاق افتاد: نه کسی از رفتن به راهپیمایی روز قدس منصرف شد، نه کسی از راهپیمایان بعد از اصابت موشک های دشمن ترسی به خود راه داد، فرار کرد یا نظم راهپیمایی را به هم ریخت. اتفاقاً حمله دشمن به مکان‌هایی نزدیک راهپیمایی تهرانی‌ها در روز قدس، درستی راه این مردم را به آنان نشان داد و استواری شان در این مسیر را صدچندان کرد. حتماً دولت های متجاوز و کارمندان شان فیلم واکنش مردم تهران به این تجاوز نظامی کثیف را دیده اند و آن را به روسای‌شان هم نشان داده اند که «ببینید! این حربه هم نگرفت و این بار هم تیر ما به سنگ خورد! چه کار کثیف و شنیعی!

در تصویر نقشه‌ای که دوستانم برایم ارسال کردند، یک چیز عجیب دیگر هم دیده می‌شد؛ یک اسم بی مسما: «ارتش دفاعی اسرائیل!» در همه ۸۰ سال برقراری رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی، کدام کشور و کدام همسایه بوده است که این رژیم به آن حمله نکرده باشد! در همین سال جاری که چند روزی از آن باقی است، این رژیم دو بار به ایران حمله کرد و بهانه هایی که هر بار برای این تجاوز ارائه کرد، بی معناتر و بی پایه تر از بهانه های تجاوزهای دیگرش به دیگر کشورها بود.

اما اگر واقعاً این «ارتش دفاعی» است، با محدوده های شهری چه کار دارد؟ این ارتش تجاوزگر است مگر در خیابان مخصوص تهران، در خیابان ویلا، پایین و بالای تئاترشهر، پایگاه نظامی یا لانچر پرتاب موشک قرار دارد که به آنجا حمله می شود؟ این چه «دفاعی!» است که به مناطق مسکونی و محدوده‌های غیرنظامی «حمله!» می کند. دیروز صبح فقط محدوده های انقلاب، ویلا، تئاترشهر و خیابان فردوسی نبود که با حملات نظامی هدف قرار گرفته شد، یک ساختمان در یک کوچه تنگ و باریک در محله بریانک هم مورد اصابت قرار گرفت. در فیلم‌ها، پیرمردی دیده می شد که آسیمه‌سر و گریان به دنبال خواهر و دامادش می گشت که هرکدام بیش از ۶۰ سال سن داشتند. دامادش را دید که روی برانکارد درحال انتقال به بیمارستان بود و در ویرانه‌های خانه دنبال خواهرش می گشت. جنایت هایی از این دست و بیش از این، نتیجه قساوت ها و خشونت‌های آن ارتش «به اصطلاح دفاعی» است.

در همین هنگام یکی از ساکنان ساختمان ما به همراه خانواده اش درحال خروج از خانه بود. آقای سلطانی و همسر و دخترش، می خواستند به خانه دخترش در نزدیکی های میدان آزادی بروند. اما خب! آنجا هم از تجاوز دشمن ایمن نیست. اما ترجیح دادند در کنار هم باشند.

من و چند نفر دیگر از همسایه ها در پارکینگ جمع شدیم. درباره مسائل مربوط به این تجاوز نظامی بحث شد. سوال مشترک من و همسایه هایم این بود: این دشمن هر جایی، هر کوچه‌ای و هر ساختمانی را مورد اصابت قرار می‌دهد. کسی چه می داند، با این که شهر اساساً غیرنظامی و مدنی است، اما او برای تجاوز به شهر بهانه هایی جور می کند؛ «فلان مأمور را به شهادت رساندم، به فلان ساختمان به این دلیل حمله کردم.» درحالی که مطابق کنوانسیون‌های بین‌المللی، اگر یک نیروی نظامی، بدون سلاح و در مکانی غیرنظامی قرار داشته باشد، مثلاً در خانه خود، نباید مورد تعرض و تجاوز قرار بگیرد. اما در اراک، برای به شهادت رساندن شهید عسگری، یک فرمانده هوافضای سپاه، همه اعضای خانواده اش را به شهادت رساندند؛ زن و مرد، دختر و پسر.

حمله به گشت‌ها و ایست‌های بازرسی هم تجاوز کثیفی است. مطابق قوانین بین‌المللی، نباید به نیروهایی که خارج از خطوط نظامی هستند حمله کرد. اما برای دشمنی که هیچ خط قرمزی ندارد، قوانین بین‌المللی هم محلی از اعراب ندارند، چه رسد به قواعد یک جنگ مردانه. شهدای حمله دشمن اسرائیلی به گشت‌های ایست بازرسی در تهران، سند رسوایی دشمن و سند رسوایی نظم جهانی هستند. پس از اصابت موشک و سقوط یک سوخت‌رسان آمریکایی در غرب عراق، فرماندهی دشمن آمریکایی اعلام کرد «ما درحال بررسی و جست‌وجو هستیم و تا زمان نهایی شدن بررسی، به دلیل نگرانی خانواده‌ها، کسی چیزی اعلام نکند.» پس سربازان آنان خانواده‌ای دارند که نگران آنان است، اما نیروهای حافظ امنیت شهرهای ما را می‌توان ناجوانمردانه و درحالی که مسلح و در میدان اصلی نبرد نیستند، با شلیک پهپاد به شهادت رساند! این جنگی که بر ما تحمیل شد، خیلی چیزها را روشن کرد. نه فقط روشن کرد که این دشمن هیچ خط قرمزی ندارد، بلکه نشان داد متجاوزان، برای غیر از خودشان، هیچ ارزش انسانی قائل نیستند.

طنین تاریخ‌ساز راهپیمایی تاریخی روز قدس

یادداشت

سیدضیاء هاشمی
معاون فرهنگی اجتماعی معاون اول رئیس جمهور

روز قدس امسال به نقطه عطفی در تاریخ ایران به ویژه تهران بدل شد. بی‌گمان تاریخ‌نویسان گزارشاتی متمایز و ویژه از راهپیمایی روز قدس در آخرین جمعه ماه رمضان امسال به نگارش درآورده و ماجراهایی را نقل خواهند کرد که شاید باورش برای جهانیان و نسل های آتی دشوار باشد و چه بسا تصاویر صحنه‌های ضبط شده را بیشتر به خلاقیت هوش مصنوعی نسبت دهند تا شجاعت و بی‌باکی شهروندان.

شهروندان تهران و صدها شهر دیگر ایران در راهپیمایی روز قدس امسال مرگ و موشک را به سخره گرفتند. تهور تهرانیان و ایستادگی کل ایرانیان در راهپیمایی روز قدس درس و درک جدیدی از جنگ و مقاومت به جهانیان ارائه کرد. صهیونیست های ساکن در سرزمین های اشغالی و حاکمان کاخ سفید باید صحنه‌های تاریخ ساز خیابان های تهران را در این راهپیمایی به خاطر بسپارند و بپذیرند که خیال خام تسلیم ایرانیان را به لطف الهی به گور خواهند برد.

مردم ایران در روز قدس زیر غرش بمب‌ها و موشک‌های شیاطین جنایتکار، خیابان‌ها را به صحنه نمایشی تاریخی بدل کردند و جلوه جدیدی از خروش مردمی به نمایش گذاشتند. بسیاری از مدیران ارشد کشور از جمله رئیس جمهوری پزشکیان هم نشان دادند که خون همین مردم در رگ های آنها جاری است. روز قدس نشان داد که وقتی پای ایران در میان باشد، ایرانیان از مرگ نمی‌هراسند و با استقبال از بمب و موشک، تهدیدهای دشمنان را شجاعانه خنثی می‌کنند. مردم ایران بخوبی نشان داده اند که از چنان شهامت و ظرفیت بی‌بدیلی برخوردارند که می‌توانند علیرغم سال ها تحریم و تهدید، با اتکا به داشته‌ها و دستاوردهای خود، در مقابل بزرگ ترین ارتش ها و سفاک ترین سیاستمداران دنیا ایستادگی کنند و دشمنان خود را به عقب‌نشینی وادارند.

هر یک از ما ایرانیان باید به خود ببالیم که یکی از نود میلیون عضو خانواده باشکوهی هستیم که در سخت ترین بحران ها به خوبی خود را می یابیم و سرنوشتمان را به رغم همه تهدیدها و چالش ها خود رقم می‌زنیم. ما همواره ثابت کرده‌ایم که «می‌توانیم». ما مفهوم «توانستن» را خوب می‌شناسیم و با تأسی به امامانمان از مفاهیمی همچون «ذلت» و «تسلیم» بس گریزان و بیزاریم. ما ملتی علوی و حسینی هستیم و پیرو آن امامان همام. ما اسطوره‌هایی چون رستم و سیاوش داریم. ما ایرانی هستیم و سجایایی چون شجاعت، شهامت، رشادت و سودای شهادت را در باورهای راسخ و فرهنگ غنی و فاخرمان داریم و در قاموس تربیتی‌مان از ترس و هراس به دوریم.

همین ملت با همین مختصات فرهنگی و اعتقادی است که در قرن پانزدهم شمسی و بیست و یکم میلادی در مقابل چشمان جهانیان حماسه قدس ۱۴۰۴ را خلق می‌کنند و با رهبر شهیدشان همکلام می‌شوند که:

«از بیم مرگ نیست که سر داده ام فغان
بانگ جرس زشوق به منزل رسیدن است»